

# تحلیلی از عوامل طلاق عاطفی در روابط زوجین

فاطمه شکیبا<sup>۱</sup>

فاطمه مطوس<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

## چکیده

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جامعه معاصر، طلاق عاطفی است که از جمله آثار آن از هم گسستن و به سردی گراییدن روابط مثبت و شیرین خانوادگی است؛ روابطی که با گذشت زمان منجر به متفاوت شدن خواسته‌ها، نگرش‌ها، نیازهای زن و مرد و به تبع آن، دور شدن آنها از هم شده است. این وضعیت در طول زمان اتفاق می‌افتد و شدت آن می‌تواند از زوجی به زوج دیگر متفاوت باشد. طلاق عاطفی اولین مرحله در فرآیند طلاق و بیانگر رابطه رو به زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. بر این اساس، اگرچه زن و شوهر ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر کاملاً از بین رفته است. این مسأله علت‌های گوناگونی دارد. علت‌هایی مانند محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات اقتصادی، ازدواج‌های تحمیلی، خشونت و تجمل‌گرایی، خود بزرگ بینی و تحقیر دیگری و... که می‌توان تمام این موارد را در سه عامل روانی، اجتماعی-فرهنگی و عوامل قبل از ازدواج شرح داد.

**واژگان کلیدی:** روابط زوجین، طلاق، طلاق عاطفی، عوامل.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد / fatemeh-shakbapoor@gmail.com

۲. کارشناس ارشد / motaves.114@gmail.com



### مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ در تمامی جوامع بشری، به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی می باشد. پرداختن به این موضوع مقدس همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی یعنی جامعه شده است. روابط مناسب در جامعه براساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است در واقع هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامتی کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تأثیر از خانواده پدید نیامده است. عوامل متعددی بر ساختار خانواده اثر نامناسب می گذارد که نتیجه آن، کارکردهای مناسب خانواده را تحت شعاع قرار می دهد. در چنین شرایطی، خانواده دچار ناسازگاری شده و در زندگی آنان تعارض به وجود می آید. ادامه این کشمکش ها، بر روی کارکرد اجتماعی هم اثر می گذارد و پدیده طلاق رخ می دهد.

طلاق باعث ناکامی همسران در زندگی زناشویی می شود. بررسی روند تاریخی پدیده طلاق در جامعه، نشانگر این است که هرچه از نظام زمین داری به جامعه صنعتی و سرمایه داری نزدیک می شویم، امکان و فراوانی طلاق افزایش می یابد؛ تا جایی که امروزه شاهد افزایش آمار طلاق در اکثر مناطق جهان هستیم. طلاق در زمره غم انگیزترین پدیده های اجتماعی است و همان طور که بر جامعه آثار شومی برجای می گذارد، تعادل انسان ها را نیز ناپایدار می کند (چگینی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹). آمار رسمی طلاق به طور کامل

نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن، آماری بزرگ ترا ما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. طلاق عاطفی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن زوجین از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله می‌گیرند و ارتباط عاطفی خود را از دست می‌دهند. طلاق عاطفی یا طلاق خاموش یکی از پیامدهای فناوری مدرن است؛ و واژه‌ای است که در زندگی مدرن امروز بسیار به چشم می‌آید (ابراهیمی و بنی فاطمه، ۱۳۹۱، ص ۸). شاید در برابر آمار طلاق، طلاق‌های قانونی را بتوانیم به طلاق‌های عاطفی اختصاص دهیم؛ یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌هایی که زن و مرد زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت در کنار هم هستند و رابطه آنها به سردی کشیده شده و هیچ مهر و عاطفه‌ای بین آنها وجود ندارد؛ ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. طلاق عاطفی مستقیماً بر طلاق رسمی تأثیر می‌گذارد و بررسی بعد پنهان آن به خاطر پیامدهایی که در پی دارد، الزامی است. حال این سؤال مطرح است که چه عواملی باعث می‌شود زندگی زناشویی مسیر طبیعی خود را طی نکرده و با مشکلاتی مثل طلاق عاطفی روبه‌رو شود؟ در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تا به بررسی علل به وجود آمدن طلاق عاطفی و راه کارهای پیش‌گیری از آن و داشتن یک زندگی سالم، شاد و با عشق پرداخته شود.

### مفهوم شناسی

«طلاق عاطفی» از دو کلمه تشکیل شده است؛ که یکی واژه «طلاق» که واژه‌ای عربی و به معنای رها کردن از قید و وثاق است و در مورد نکاح و به معنای



خارج کردن زن از قید نکاح (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۳) و جدایی میان زن و شوهر است. طلاق در اصطلاح فقهی به معنای زائل کردن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوص طلاق است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۱۲، ص ۲۷۴). طلاق را اغلب راه حل رایج و قانونی عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختار زندگی زناشویی، قطع پیوند خانوادگی و اختلال ارتباط والدین با فرزندان تعریف کرده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹؛ سواری زنگنه، ۱۴۰۰، ص ۲۰).

در اصطلاح علم حقوق نیز نوعی رفع قید نکاح می باشد (امامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳). به تعبیر دیگر طلاق در علم حقوق نوعی ایقاع است که با تشریفات خاصی به انجام رسیده و به موجب آن عقد نکاح از بین می رود؛ و دیگری «عاطفه» به معنای مهربانی و نرم عقد نکاح از بین می برد (سادات مستقیمی، ۱۳۶۰، ص ۳) و یا «عاطفه» به معنای مهربانی و نرم دلی است که استمرار داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹) (جمله بازنگری و اصلاح شود)

### نشانه‌های طلاق عاطفی

طلاق عاطفی می تواند طیف وسیعی از قهرهای ساده تا بگومگوهای جدی و درگیری های فیزیکی و خشونت را دربرگیرد. این نوع طلاق که با مفهوم دل زدگی زناشویی هم پوشانی بسیار زیادی دارد وضعیتی است که در آن احساسات منفی خشم، ناامیدی، زیان، رنجش، تنفر و دشمنی جایگزین احساسات مثبت، عشق و علاقه متقابل در روابط زوجین می شود. این وضعیت در طول زمان اتفاق می افتد و زندگی زناشویی در زیر شدت آن

می‌تواند از زوجی به زوج دیگر متفاوت باشد. یک انسان شناس به نام پل بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از اولسن و دفراین، ۲۰۰۶، ص ۴۴۹). براین اساس، اگرچه زن و شوهر ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند؛ اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر کاملاً از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود، تجربه می‌شود، که در آن هریک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از اسکانزونی، ۱۹۸۸). براین اساس روابط عاطفی زوجین از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست. این وضعیت می‌تواند تا آخر عمر زوجین ادامه یابد و یا در مرحله آخر به طلاق قانونی ختم گردد.

طلاق عاطفی معمولاً از شکایت و گله زوج‌ها نسبت به هم شروع می‌شود؛ انتظاراتی که به زبان آورده می‌شود ولی تحقق پیدا نمی‌کنند. در واقع طرفین این رابطه به نیازها و خواسته‌های دیگری اهمیت نمی‌دهند؛ طوری که انگار زن و شوهر یکدیگر را می‌بینند ولی صدای هم را نمی‌شنوند و به وجود یکدیگر تنها عادت دارند؛ مانند کتابی که بارها آن را خوانده‌اند و دیگر از خواندن آن لذت نمی‌برند. این مرحله آغاز شروع طلاق عاطفی است (سایت یاسا <https://www.yasa.com>). در مرحله بعد، نزاع و دعوا میان دو طرف رخ می‌دهد و انتظاراتی که قبلاً به آرامی مطرح می‌شد، حالا با فریاد بیان می‌شود و آرامش و عشق ابتدای رابطه، جای خود را به خشم می‌دهد. فردی که دچار طلاق عاطفی شده است به خود و سلامت فردی و اجتماعی خود بی‌توجه می‌شود و حتی به



سلامت دیگر افراد خانواده نیز اهمیت کمتری می‌دهد؛ وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد و مسئولیت‌های خود را در مقابل دیگر افراد خانواده به سردی و بی‌هیچ‌میل و رغبتی انجام می‌دهد. روابطی که با گذشت زمان و گذر از این پروسه منجر به متفاوت شدن خواسته‌ها، نگرش‌ها و نیازهای زن و مرد و متعاقب آن دور شدن آنها از هم شده؛ که در چنین شرایطی تنها وجود انگیزه‌ای خاص می‌تواند دو نفر را به زندگی در کنار هم وادار کند، که معمولاً این انگیزه نیز وجود فرزندان و یا مسائل خاص اجتماعی است؛ مسائلی که منجر به تحمل زندگی و ادامه آن می‌شود. در حالی که این‌گونه زندگی هر لحظه آماده رخدادی جدید خواهد بود.

(<https://masoomie-shiraz.kowsarblog.ir>)

### انواع طلاق عاطفی

طلاق عاطفی را براساس معیارهای مختلف می‌توان به انواع گوناگونی تقسیم کرد: اقتصادی، اجتماعی، روانی، جنسی و هم‌والدی.

#### ۱. طلاق اقتصادی

طلاق اقتصادی به شرایطی اشاره دارد که در آن همسران از لحاظ اقتصادی جدا شده‌اند، اما هنوز در یک ارتباط زناشویی هستند؛ به طوری که ارتباط عاطفی و احساسی میان آنها کاهش یافته و به نوعی زندگی مشترک‌شان به یک رابطه سرد و بی‌روح تبدیل شده است. کسب استقلال اقتصادی یکی از انگیزه‌های طرفداران اشتغال زنان است. کار زنان در خارج



از خانه پیامدهای مثبت و منفی زیادی دارد. نخستین کسی که از اشتغال زن متأثر می‌شود، خود زن است. با اشتغال وی وابستگی او به خانواده از بین می‌رود، و روابط عاطفی کم‌رنگ و پرتنش می‌شود. این موضوع می‌تواند به کاهش حمایت‌های عاطفی و اجتماعی منجر شود و در نهایت بر کیفیت زندگی خانوادگی تأثیر بگذارد. این وضعیت ممکن است به دلیل جدایی فیزیکی، تقسیم دارایی‌ها، و یا کسب و کارهای مشترک و همچنین عدم توافق در مسائل مالی و اقتصادی بین زوجین رخ دهد و باعث تضادات و مشکلات در زندگی مشترک آنها شود (حوراء، ش ۱۸).

## ۲. طلاق اجتماعی

طلاق اجتماعی یک مفهوم اجتماعی است که به وضعیتی اشاره دارد که در آن زوجین از لحاظ اجتماعی و عاطفی از هم فاصله می‌گیرند؛ اما به لحاظ قانونی یا رسمی همسر شناخته می‌شوند. این وضعیت ممکن است به دلایل مختلفی اتفاق بیفتد؛ از جمله مسایل مالی یا اقتصادی، فرزندان، فشار اجتماعی که در برخی از فرهنگ‌ها ممکن است زوجین را وادار کند به زندگی مشترک ادامه دهند، حتی اگر احساس کنند رابطه‌شان به پایان رسیده است و در آخر ترس از طلاق و پیامدهای آن حتی اگر احساس کنند که رابطه‌شان دیگر کارایی ندارد.

## ۳. طلاق روانی

طلاق روانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن زوجین از نظر عاطفی و احساسی از یکدیگر جدا می‌شوند، اما هنوز به لحاظ قانونی و رسمی در یک رابطه



زناشویی باقی مانده اند. این نوع طلاق معمولاً به دلیل عدم ارتباط عاطفی، سردی روابط و کاهش محبت و توجه بین زوجین اتفاق می افتد.

ویژگی های طلاق روانی شامل موارد زیر است:

۱. فاصله عاطفی: زوجین ممکن است به تدریج از یکدیگر فاصله بگیرند و احساس کنند که دیگر نمی توانند به یکدیگر نزدیک شوند. این فاصله می تواند به دلیل عدم ارتباط مؤثر، عدم درک متقابل یا مشکلات شخصی باشد.

۲. کاهش ارتباط: در طلاق روانی ارتباطات عاطفی و اجتماعی بین زوجین به شدت کاهش می یابد. آنها ممکن است کمتر با یکدیگر صحبت کنند، زمان کمتری را باهم بگذرانند و از فعالیت های مشترک خودداری کنند.

۳. احساس تنهایی: هریک از زوجین ممکن است احساس تنهایی و بی احساسی کند؛ حتی اگر در یک خانه زندگی کنند. این احساس می تواند به افسردگی و اضطراب منجر شود.

۴. عدم رضایت از زندگی مشترک: زوجین ممکن است احساس کند که در زندگی مشترکشان دیگر رضایت بخش نیستند و به نوعی رابطه شان به یک رابطه بی روح و سرد تبدیل شده است.

#### ۴. طلاق جنسی

این نوع از طلاق وقتی رخ می دهد که زوجین در زندگی زناشویی خود، به عنوان همسران با یکدیگر زندگی می کنند. از عوامل ایجاد طلاق جنسی





می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم ارضای صحیح جنسی برای هریک از زوجین که به دلایلی مانند عدم آشنایی با مسایل جنسی و روش کام‌جویی، اختلال‌های جنسی (مثل زود انزالی، دیرانزالی، دیرارگاسمی، اختلال‌های رفتاری) ممکن است به وجود آید. انحرافات اخلاقی (نظیر رفتارهای توأم با خشونت، توقعات نابجا، تصویرسازی‌های ذهنی منجر به خیانت ذهنی و...)، خیانت و بی‌وفایی جنسی زناشویی، بیماری‌های جسمی و روانی هریک از زوجین، شرایط و سختی شغلی، اضطراب و افسردگی هریک از زوجین، مسایلی نظیر درد فقدان اعضای خانواده در بین زوجین (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰).

#### ۵. طلاق هم‌والدی

طلاق هم‌والدی، می‌تواند رویکردهای مختلفی برای تقسیم زمان و تقویت روابط با فرزندان وجود داشته باشد. اما در برخی موارد، والدین ممکن است به صورت ناآگاهانه تلاش کنند تا با تقسیم کردن فرزندان و ایجاد اختلافات بین آن‌ها، علیه والد دیگر را متهم کنند یا با او مقابله کنند (اسلامی، ۱۴۰۲).

#### ریشه‌ها و عوامل طلاق عاطفی

زندگی سرشار از تلاطمات است. خانواده‌هایی که از بنیان متزلزلی تشکیل شده‌اند، اجازه می‌دهند مشکلات و مسائل جزئی به بنیان خانواده رخنه کرده و به آسانی به جدل و بحران تبدیل شود. همین تنش‌ها و درگیری‌های زیاد، خستگی عاطفه به دنبال می‌آورد و روابط را سرد می‌کند. طلاق عاطفی، آسیبی فراگیرانه تنها در کشور ما، بلکه در تمام دنیا وجود دارد. این مسئله علت‌های گوناگونی



دارد. علت‌هایی مانند محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات اقتصادی، ازدواج‌های تحمیلی، ترس و فرار از تنها ماندن، چشم و هم‌چشمی با دوستان و فامیل در امر ازدواج، خشونت و عصبانیت، مادیات، تجمل‌گرایی و تشریفات بیش از حد، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگری، بقای نسل، ترس از حرف‌های اطرافیان، دورویی، پنهان‌کاری و... .  
 حال به عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و عوامل قبل از ازدواج می‌پردازیم.

### الف: عوامل روانی

مشکلات اخلاقی و روانی هرکدام از زوجین می‌تواند یک زندگی را در آستانه فروپاشی قرار دهد. در ادامه به دلایل روانی تأثیرگذار بر طلاق عاطفی اشاره می‌کنیم:

#### ۱. عدم احترام و درک متقابل

یکی از عوامل مهم برای زندگی مسالمت‌آمیز و آرامش در زندگی، حفظ حرمت هم‌دیگر است که در سلامت روحی، افزایش محبت و تحکیم خانواده نقش به‌سزایی دارد. از موارد حفظ احترام متقابل می‌توان به تفاوت‌های موجود میان زن و مرد، شناخت ویژگی‌ها، روحیات، خواسته‌های همسر و عمل براساس آنها نام برد. راز صمیمیت میان زن و مرد این است که خصوصیات هم‌دیگر را بشناسند و تفاوت‌های یک‌دیگر را درک کنند. زمانی که احترام متقابل کم‌رنگ می‌شود زمینه نارضایتی در زوجین به وجود می‌آید و بین آنها



فاصله می‌اندازد. وقتی کسی شخصیت همسرش را خرد می‌کند، نفرت و حقارت را در دل او پرورش داده، روح و روان و شخصیت و شأن او جریحه‌دار می‌شود؛ در این صورت توقع عشق و مهربانی کاری عبث است. از این رو امام باقر علیه السلام با تعجب می‌فرماید: «آیا یکی از شما همسرش را می‌زند و باز هم او را در آغوش می‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۵۰۹)؛ یعنی این دو کار متضاد، باهم جمع نمی‌شود و سازگاری ندارد.

## ۲. عدم صداقت و اعتماد

زمانی روابط صمیمانه شکل می‌گیرد که صداقت و اعتماد بر یک رابطه حاکم باشد. زمانی که یکی از زوجین دروغ می‌گوید یا پنهان کاری می‌کند، زوجین به هم اعتماد نکرده و این عدم اعتماد باعث سردی روابط آنها می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۷۸). بدبینی، بدگمانی و سوءظن واژه‌هایی هستند که با باز شدن جایشان در زندگی، بنیان روابط زناشویی که بر اعتماد و یک دلی بنا شده با خطری بزرگ روبرو می‌شود. زمانی که یکی از زوجین دچار سوءظن می‌شود ارتباط با همسرش با عینک هم‌دلی به سختی امکان پذیر خواهد بود. حضرت علی علیه السلام درباره آثار سوءظن می‌فرمایند: «سوءظن بر هر کس غلبه کند، سازش میان او و دوستش را باقی نمی‌گذارد» (آمدی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۶۴). قرآن کریم درباره بدبینی نسبت به دیگران می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است» (حجرات، ۱۲). وقتی یکی از زوجین نسبت به دیگری سوءظن پیدا می‌کند، به حسابرسی‌های بیهوده، دقت در رفت و آمدها، بررسی تلفن‌ها و تماس‌ها، بازخواست کردن، جاسوسی در رفتار دیگری حتی



متوسل شدن به دروغ می پردازد. این سوءظن و بدگمانی سرانجامی جز سردی در مهربانی در بین زوجین ندارد (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

### ۳. مشاجره و دعوا

خانه مکانی برای آرامش و خوشبختی است؛ اما گاهی در این مکان خبری از امنیت و خوشبختی نیست. آنگاه که بی احترامی، دلخوری و رنجش جای صبر و ملایمت و عشق را می گیرد؛ هرکدام از همسران راه خود را می رود و دوست دارد حرف او به کرسی بنشیند؛ در نتیجه دعواها و پرخاش ها بیشتر و بیشتر می شود، تا آنجاکه گاهی بروز بیرونی می یابد؛ چنان که زن و شوهر در مقابل جمع و در مهمانی ها نیز به سرزنش و تحقیر هم می پردازند و در این کار ناشایست گاهی از هم پیشی می گیرند. خانواده نماد آرامش و فضای امن است. مشاجره در خانه یکی از عواملی است که این آرامش را گرفته و امنیت خانه را از بین می برد. درگیری و تعارض اثرات نامطلوبی بر کیفیت زندگی یک زوج می گذارد (همان، ص ۲۷)

### ب: عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر طلاق عاطفی

شرایط زندگی اجتماعی و چالش های فرهنگی می تواند در روند زندگی مشترک تأثیرگذار باشد. در ادامه به بررسی تأثیر برخی از این عوامل می پردازیم.

#### ۱. نداشتن مهارت همسراری

رابطه همسری با تمام روابطی که انسان با افراد دیگر برقرار می کند، متفاوت

است و اهمیت آن تا آنجاست که بسیاری از جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اختلاف سلیقه بین زن و مرد امری طبیعی است و در هر فردی به اندازه‌ای نسبت به دیگری وجود دارد. پس این هنر زن و شوهر است که با کسب مهارت و دانش افزایی در حیطه همسر داری بتوانند کلبه عشق خویش را گرم‌تر، محکم‌تر و دل‌انگیزتر بنا کنند. آنچه مسلم است، ناتوانی همسران در کسب مهارت و ظرافت در همسر داری سبب می‌شود زن و شوهر با انجام اشتباهات و کارهای نسنجیده، زندگی سرد و بی‌روحی را برای خود رقم بزنند که سرانجام به طلاق عاطفی ختم شود.

زوجین باید در همان اوایل زندگی مشترک به شناخت کامل از یکدیگر رسیده و با درکی متقابل، مهارت گفتگو با یکدیگر را کسب کنند. وقتی یکی از همسران بدون به کارگیری مهارت‌های رفتاری در صدد تغییر شریک زندگیش برمی‌آید، ناخودآگاه باعث می‌شود که شریکش از خود مقاومت نشان دهد و جرو بحث‌های پیش آمده سبب دلخوری بیشتر آنها از یکدیگر شود (قاسمی، ...، ص ۶۹)

## ۲. عدم تفاهم و توافق فکری در زمینه مسائل اقتصادی

مدیریت مالی خانواده نه تنها امری ضروری است؛ بلکه در رشد، موفقیت، رضایت و شادی خانواده نیز اثرگذار است. رفاه اقتصادی در گرو مدیریت مالی خانواده است. مشکلاتی که باعث ضعف در مدیریت خانواده و بالطبع، اختلاف میان همسران و اعضای خانواده می‌شود، شامل مواردی چون: مشکلات رفتاری، فقدان درک اقتصادی و... است. بسیاری از مشکلات مالی به دلیل



تصمیمات نابخردانه ایجاد می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که بیشتر اختلافات و مشکلات مالی با دلایل غیرمالی به وجود می‌آیند؛ دلایلی که ریشه در مشکلات رفتاری افراد دارند. بعضی از این رفتارها شامل خریده‌های ناگهانی و بدون برنامه؛ مادی‌گرایی افراطی؛ دغدغه‌های بی‌ارزش اجتماعی مثل چشم و هم‌چشمی؛ استفاده ابزاری از پول برای سلطه‌گری و کنترل دیگران؛ و اعتیاد به خرید و... است. این روند در خانواده، امنیت مالی را تحت الشعاع قرار داده و همچنین روابط بین زوجین را نیز به سردی سوق می‌دهد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲).

۳. **عدم تفاهم و توافق فکری در زمینه اعتقادات مذهبی، آداب و سنن اجتماعی**  
 باورها و اعتقادات هر فرد، مهم‌ترین نقش را در همسرگزینی وی ایفا می‌کنند؛ چرا که این باورها ریشه در فرهنگ، مذهب و سنت جامعه‌ای دارد که شخص در آن پرورش یافته و با آن تعامل دارد و بر اساس همین باورهاست که الگوهای گزینش همسر در اندیشه افراد شکل گرفته و مبنای همسرگزینی آنان می‌شود. مجموعه این باورها و اعتقادات جهان‌بینی افراد را بردونوع جهان‌بینی مادی و الهی شکل می‌دهد (سالاری فر، ...، ص ۸)

یکی از عواملی که بر موفقیت ازدواج اثرگذار است، اختلافات اعتقادی و مذهبی است. بعد معنوی در سلامت روان به قدری اثرگذار است که در سال‌های اخیر برای بررسی سلامت روانی، این بعد هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تفاوت اعتقادی و مذهبی مشکلات بارزی را برای زوجین به وجود می‌آورد تا جایی که می‌تواند آنها را به جدایی بکشاند. اهمیت این موضوع در



جایی مشخص می‌شود که فرد مقابل در مقابل حوادث، شرایط و مشکلات رفتاری متضاد با شما دارد. تفاوت بین زوجین حتی می‌تواند به مسائل ریشه‌دارتری کشیده شود و معنی خوب و بد یک مفهوم به طور کامل عوض شود. شناخت کامل و بررسی فرد مقابل برای ازدواج، باید در تمامی زمینه‌های شخصیتی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی و مذهبی باشد. زن و شوهرهایی که به واسطه ازدواج هیجانی بدون شناخت وارد زندگی مشترک می‌شوند، دیر یا زود مشکلات عمیقی دامن‌گیر زندگی‌شان می‌شود (قلی‌زاده، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰)

#### ۴. کنترل توقعات و انتظارات

زندگی زناشویی میدان مشترک کمال زن و مرد محسوب می‌شود. بنابراین برای داشتن آرامش و رضایت از زندگی، باید میزان خواسته‌ها و انتظارات زن و مرد از هم متناسب با قدرت و توان طرف مقابل باشد. در غیراین صورت فشارهای روانی بر زندگی حاکم می‌شود و روابط خانوادگی دچار اختلال می‌گردد. پیامبر عزیز خدا ﷺ می‌فرماید: لا یحل للمرأة ان تتکلف زوجها فوق طاقتها؛ «برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی‌اش مجبور کند» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲). در روایت است که روزی حضرت علی، تنهاترین مرد تنهای شهر، که سلام و درود پروردگار بر او باد، به خانه آمد و از همسرش غذایی خواست، بانوی مهربان، سر به زیر انداخت و فرمود: دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم؛ آنچه بود به شما و فرزندانم؛ حسن و حسین دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم. حضرت با تأسف بسیار فرمود: فاطمه جان! چرا مرا آگاه نکردی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟ و آن بانو در جواب عرض کرد: «ای ابالحسن! من از



پروردگار خود حیا می‌کنم، چیزی را که تو بر آن توان و قدرت نداری درخواست کنم» (ابن شهر آشوب، ...، ص ۲۶).

### ۵. افزایش تعارضات همسران

افزایش تعارضات همسران در نتیجه کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان و دوستان همسر، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و ... حاصل می‌شود (معین فر، ...، ص ۳)

### ۶. فقدان مهارت در حل تعارضات

از نظر گلاسر ۱۹۹۸ تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرح-واره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. فرایند تعارض زمانی به وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند. تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. درمان‌گران سیستمی تعارض را هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت که در جهت اخذ امتیازات دیگری به افزایش امتیازات خود بروز می‌کند، می‌دانند. بدیهی است که طرفین نزاع قصد دارند به طرف مقابل خود آسیب برسانند، تاتیک‌های او را خنثی و بالاخره از صحنه بیرون کنند. بنابراین وجود تعارض



زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی و جنسیتی است و گاهی اوقات، آن قدر شدت می‌یابد که احساس خشم، خشونت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین حاکم می‌شود به شکل حالت تخریب‌گر و ویران‌گر بروز می‌کند (نعیمی، ۱۳۹۳، ص ۱).

#### ۷. فقدان اطلاعات و مهارت‌های جنسی و انتظار عمل کرد غیرواقع بینانه

تمایل جنسی از ابعاد مهم وجود انسان است و روابط زناشویی به عنوان بخشی از یک رابطه جسمی و عاطفی نقش به‌سزایی در تحکیم این پیوندهای خانوادگی ایفا می‌کنند. خداوند متعال در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از غریزه جنسی و نحوه پاسخ‌گویی بدان سخن گفته است (آل عمران، ۱۴). مسائل و روابط خصوصی همسران در استحکام زندگی یا از دست دادن آن بیش از حد اثرگذار است. از این‌رو یکی از عوامل مهم در طلاق عاطفی، ناهماهنگی همسران در امور جنسی و زناشویی است که سردمزاجی و زودانزالی دو عامل مهم در این زمینه به‌شمار می‌رود (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۶۳). عوامل دیگری نظیر ظهور فناوری‌ها و رسانه‌های جدید، تنوع‌طلبی و... نیز باعث به‌وجود آمدن مشکلات و نارضایتی از روابط زناشویی می‌شود. گاه ممکن است نه زن سرد مزاج باشد و نه مرد مشکلی در توانایی جنسی داشته باشد؛ ولی از آنجاکه هر دو از ظرفیت جسمی و روحی یکدیگر بی‌خبرند و راه‌های کام‌جویی را هم نمی‌شناسند، تنها به فکر لذت و ارضای میل جنسی خویش هستند. پس اگر بدون توجه به مرحله ارگاسم (اوج لذت جنسی)، خلوتشان را پایان دهند، خود این رفتار موجب ناهماهنگی در مسائل جنسی بوده و پیامدهای منفی فراوان

جسمی و روحی را در رابطه شان به جای خواهد گذاشت (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

#### ۸. ناتوانی در انتقال احساسات به همسر

برای دوام ازدواج مهم‌ترین و اساسی‌ترین چیز، عشق بین زن و شوهر است. اما خود عشق هم برای دوام آوردن، نیاز به ابراز شدن دارد. در واقع ابراز عشق و علاقه به همسر می‌تواند زندگی مشترک را مستحکم و صمیمی‌تر بسازد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیثی زیبا فرمودند: «این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (حرعاملی، ...، ج ۱۴، ص ۱۰). دلایلی مهمی که مانع ابراز عشق به همسر می‌شود را می‌توان باورهای نادرست زوجین، بی‌توجهی همسر، نداشتن مهارت کافی در ابراز احساسات و عمل کرد عاشقانه به جای ابراز کردن عشق نام برد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵).

#### ۹. نپوشیدن لباس خوب و ترک آرایش زنان در منزل برای همسر

پرهیز از شلختگی و بی‌نظمی، پوشیدن لباس‌های نظیف و پاکیزه، رسیدگی به ظاهر، مانند شانه زدن مو و محاسن، استعمال عطر و بوی خوش و ... از جمله سفارش‌های اسلام است و موجب تحکیم خانواده و ازدیاد محبت همسران به یکدیگر می‌شود؛ زیرا که در سرشت هر مرد و زنی، زیبایی خواهی و آراسته‌گری نهفته است و زن و شوهر باید خود را برای یکدیگر بیارایند و ظاهر خود را جَدَّاب و دوست داشتنی و زیبا نمایند و مردان و زنان باید به این نکته توجه کنند که نوع پوشش و چگونگی ظاهرشان باید مطابق میل همسران‌شان

باشد، پیش گرفتن چنین رفتاری علاوه بر اینکه علاقه طرفین را نسبت به هم افزایش می‌دهد، عفت و پاکدامنی را نیز در جامعه تقویت می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

امامان علیهم السلام به آراستگی ظاهر خود در مقابل همسرشان توجه خاصی داشتند و سفارشات آموزنده‌ای دربارهٔ زینت‌های مناسب برای آراستن مردان در مقابل همسران‌شان داشته‌اند و همواره تأکید کرده‌اند که در این امر کوتاهی نشود. توصیه به شستن و شانه‌زدن موی سرو و محاسن، خوشبو کردن بدن با عطر، اصلاح سرو صورت، کوتاه کردن ناخن انگشتان، خضاب و رنگ کردن موی سرو صورت، زایل کردن موهای زاید بدن، سرمه کشیدن، روغن زدن به مو و مسواک زدن و... در همین راستا است، که روایات زیر نیز مؤید این مطلب است (بهرامی، ۱۳۸۶، ...).

#### ۱۰. بهره‌گیری نادرست از انتقاد

گاهی انتقاد همسران از یکدیگر به آفت‌هایی دچار می‌شود که توجه به آنها لازم است. یکی از این آفت‌ها، بهره‌گیری نادرست از انتقاد است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دورترین حالت بنده از خدای متعال آن است که لغزش‌های دوست خود را نگاه دارد (به خاطر بسپارد) تا روزی به وسیلهٔ آن لغزش‌ها دوستش را مورد سرزنش قرار دهد» (کلینی، ...، ج ۲، ص ۳۵۵). گاه مرد یا زن در قالب انتقاد در حقیقت، خویش را تخلیه روحی کرده، می‌خواهد عصبانیت خود را با سرزنش و یا تحقیر فرو نشانند. یکی دیگر از آفت‌های انتقاد تکرار فراوان آن است که سبب می‌شود طرف مقابل شما تصور کند به دنبال یافتن و شمارش عیب‌های او



هستید؛ در این صورت نقد کردن تأثیر خود را از دست می‌دهد و حس خیرخواهی در آن از بین می‌رود. همچنین گاهی انتقادهای نادرست آن قدر تکرار می‌شوند که اعتماد طرف مقابل از بین می‌رود؛ در نتیجه انتقادهای درست نیز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چنین رفتاری به رابطه عاطفی همسران آسیب شدیدی وارد می‌کند. (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

#### ۱۱. مقایسه کردن

زمانی که یکی از زوجین، با مقایسه کردن همسرش با دیگران به سرزنش او اقدام می‌کند، در روح و سرشت همسرش دردی ناگوار رخ می‌دهد. معمولاً مقایسه کردن به دوروش روی می‌دهد: مقایسه بیرونی، که بیان کردن و عیان کردن کاستی‌های همسر در مقایسه با هر شخص دیگری در حضور خود همسر است و دیگری مقایسه درونی که دائماً همسر را در بوتۀ ذهنی با مقایسه کردن و مورد حمله انواع نواقص و کاستی‌ها قرار دادن. هر کدام از این شیوه‌های مقایسه در به هم ریختن اساس خانواده و شخصیت بر روی همسران بسیار تأثیرگذار است (همان، ص ۸۷).

#### ۱۲. چالش‌های عدم شفافیت در بیان نیازها

زوجین باید خواسته‌های خود را به صورت منطقی و با احترام به همسرشان بگویند. همسران نمی‌توانند آنچه در ذهن و قلب شماست بخوانند؛ بلکه باید به طور واضح و شفاف آن خواسته و نیاز را بیان کنید. همسران (بیشتر زنان) به دلیل خجالتی بودن و یا فداکاری بیش از حد در قبال همسراز هیچ چیز



شکایت نمی‌کنند. حتی گاهی نظرات شخصی‌شان را پنهان می‌کنند و به شرایط موجود راضی می‌شوند. گاهی نیز توقع دارند شوهرشان تمام آنچه را می‌خواهد از ذهن و قلب او بخواند و برایش فراهم کند یا در صورت ناراحتی و دلخوری شوهر، ناراحتی را از رفتارش بفهمد و از او دلجویی کند. در صورتی که مردان توانایی و قدرت چنین کارهایی را ندارند. بنابراین مطلع نشدن همسر از خواسته‌های زن، حس بدی را در زن ایجاد می‌کند. این احساسات بد جمع شده و یکجا بروز می‌کند و باعث جدایی عاطفی زن و شوهر می‌شود (مک کی، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

### ۱۳. منت‌گذاریدن

از دیگر رفتارهای ناپسندی که شعله عشق را خاموش می‌کند و نهال کینه را در قلب آدمی می‌نشاند، منت‌گذاریدن در مقابل کاری است که انسان برای کسی انجام می‌دهد. منت‌گذاری یکی از همسران بر دیگری ارزش کار نیک او را از بین می‌برد، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید» (بقره، ۲۶۴).

پیامبر ﷺ در حدیثی زیبا و درس آموز می‌فرماید: «اگر زنی تمام طلا و نقره‌ای را که در زمین است به عنوان جهیزیه به خانه شوهرش بیاورد ولی روزی بر شوهر خویش منت‌گذارده و اموالش را به رخ او بکشد و بگوید: (تو که هستی؟ همه اموال از آن من است) تمام اعمالش از میان می‌رود. اگرچه عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و عذرخواهی کند» (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۴). در سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «کار نیکی که همراه منت است، لذتی ندارد (عیون الحکم والمواعظ، ...، ص ۵۳۸) و کسی که به جهت کار نیکش منت



می‌گذارد، مانند آن است که نیکی نکرده است» (غیرالحکم، ...، ص ۳۹۰). آری همسران بدانند که منت گذاردن به یکدیگر، اثر خوب کارهای شایسته‌شان را از بین می‌برد؛ حتی آن را به کار زشت تبدیل می‌کند و در نتیجه پاداش آخرتی آن نیز محو خواهد شد. بنابراین چه نیکوست در ضمن ایثار و فداکاری، عمل نیکورا به نیت خدایی و برای ازدیاد عشق و محبت انجام دهیم؛ تا به این ترتیب به غیر از اجر دنیوی؛ یعنی دلگرمی و دور شدن از مرحله طلاق عاطفی، پاداش اخروی آن نیز محفوظ بماند.

### ج) دلایل طلاق عاطفی قبل از ازدواج

#### ۱. ازدواج‌های تحمیلی و نسنجیده

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی هر فرد است. قرآن کریم هدف از ازدواج را رفع نیازهای طبیعی و رسیدن به آرامش روحی در کانون خانواده نام می‌برد (روم، ۲۱). یکی از عواملی که امنیت داخلی خانواده و اجتماع را تهدید می‌کند، وقوع ازدواج‌های تحمیلی است. در این ازدواج هرکدام از زوجین برخلاف رضایت و انتخاب خویش، با فردی ازدواج می‌کند؛ و همین عامل باعث اختلاف و تنش در درون خانواده، طلاق عاطفی، ارتباطات نامشروع، قتل و همسرکشی و ... در نهایت می‌تواند عامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی و افزایش نرخ وقوع جرائم گردد. بررسی آمار کسانی که به دلیل اختلافات خانوادگی در کلانتری‌ها طرح دعوا کرده و جهت مصالحه و سازش به واحد مددکاری کلانتری‌ها ارجاع می‌شوند، نشان می‌دهد که بخشی از علل ایجاد تنش و گسست خانواده به دلیل ازدواج‌های

تحمیلی هستند (جامعه جوان و خانواده، ۱۳۹۷، ...)

## ۲. ازدواج غیابی و اینترنتی

اگرچه تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است و آداب و رسوم مختلف در گذر زمان منسوخ یا تغییر شکل می‌یابند؛ اما با توجه به اینکه جامعه ایران هنوز تا حدودی ساختار سنتی خود را حفظ کرده و آسیب‌هایی که از لابلای این نوع دگرگونی‌های اجتماعی سر برمی‌آورند، نمی‌توان این گونه تغییرات را نادیده گرفت. معمولاً در ازدواج‌های غیابی، گزینش صحیحی صورت نمی‌گیرد و افراد خیلی شتاب‌زده و احساساتی برای این امر تصمیم‌گیری می‌کنند. "اصغر کیهانیان" بر این باور است که این ازدواج‌ها بر اساس ساده‌انگاری، خوش‌بینی، خیالبافی و هیجانات زودگذر انجام می‌شود و با توجه به اینکه دو طرف شناخت کافی از یکدیگر ندارند، پایان خوشی برای این ازدواج‌ها نمی‌توان متصور بود. وی گفت: داده‌های آماری نشان می‌دهد ازدواج‌های اینترنتی عامل اصلی ۲۵ درصد طلاق‌ها در کشور ایران است (صمدی، ۱۳۸۶، ...).

## ۳. سابقه دوستی و ارتباط قبل از ازدواج

بسی روشن است که دوستی‌های خیابانی و تلفنی و روابط میان دختر و پسر، از آنجاکه زیبایی و جذابیت جسمانی و تشابه ظاهری در آن نقش پررنگی دارد و افراد در آن مقطع درهاله‌ای از احساسات و عواطف غوطه‌ورند و در پی فردی هستند که با ساخته‌های ذهنی‌شان مطابق باشد، در ارکان شناخت ناتمام است



و کوری حاصل از عشق و محبت بر آن حکومت می‌کند. در این گونه روابط، چون احساسات و هیجانات و شور جوانی در حدّ بالایی قرار دارد، حسّ واقعیت‌آزمایی، ضعیف است و در مقابل، حالت‌های کام‌بخشانه، بسیار قوی هستند. چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «چشم عاشق از دیدن عیب‌های معشوق کور است و گوش او از شنیدن زشتی‌های او کور است» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵، ح ۱۳۲۳).

بسیاری از ازدواج‌هایی که از روابط خیابانی، پارک و دانشگاه‌ها شروع شده‌اند، یا به سرانجام روشنی نرسیده، یا قبل از ازدواج رها شده و حاصلی جز بدنامی نداشته‌اند. عشق و علاقه‌هایی که از طریق آشنایی در خیابان و تماس تلفنی حاصل می‌شود، به همان صورت که با شتاب ایجاد می‌شود، به سردی می‌گراید و خاموش می‌شود.

دکتری جامعه شناس، دلیل ضعف چنین پیوندهایی را در بی‌پایه بودن عشق‌های زودگذر جست و جو می‌کند و می‌گوید: جوانانی که هم‌دیگر را در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌یابند، یا از طریق تماس‌های تلفنی به هم‌دیگر علاقه‌مند می‌شوند، اصولاً مبنا و اساس علاقه‌مندی خود را بر همان نگاه‌های اولیه پایه‌گذاری می‌کنند و این عشق و علاقه وقتی ظاهری باشد، قاعدتاً بعد از مدت زمانی به تحلیل می‌رود و نهایتاً خاموش می‌شود. لذا می‌بینیم که اغلب چنین ازدواج‌هایی حتی بعد از مدّت زمان کوتاهی (کم‌تر از یک سال) به طلاق می‌انجامد (شیخی، ۱۳۷۹، ص ۵).





### شناخت ناکافی از همسر، قبل از ازدواج

شناخت زوجین از یکدیگر، فرایندی است که تمام مراحل مختلف زندگی زناشویی، اعم از قبل و بعد از ازدواج را در بر می‌گیرد (معین‌فر، ...، ص ۳). به طور صریح می‌توان اذعان کرد که شناخت قبل از ازدواج آثار مثبتی را بر زندگی زوجین خواهد داشت و با شناخت معیارها صحیح همسرگزینی در مرحله قبل از ازدواج، حقوق، وظایف، تفاوت‌ها و نیازهای متقابل در بعد از ازدواج است که می‌توان از عوامل اختلاف و اشتداد زوجین در زندگی جلوگیری کرد، عواطف و احساسات را به خوبی مدیریت نمود و در برابر فتنه‌ها و انحرافات خانوادگی مقاومت کرد. بنابراین موفقیت همسران در هدایت زندگی خود و خانواده خویش، مرهون شناخت درست آنان است. این شناخت موجب بهبود روابط خانوادگی و ایجاد آرامش و تفاهم در زندگی زوجین می‌شود (آیت‌اللهی، ۱۳۹۳، ...).

### نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری است که در سطح کوچک، اساس خانواده و در بُعد وسیع‌تر، جامعه را درگیر می‌کند. از این رو، بررسی و توصیف علل به وجود آمدن آن در بین زوجین ضرورت خاصی دارد. نتایج بیان‌گران است که طلاق عاطفی پدیده‌ای تک عاملی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل در پیوند باهم، منجر به طلاق عاطفی می‌شوند. میزان تأثیر این عوامل در ایجاد طلاق عاطفی نیز متفاوت است. نقش عواملی چون: عوامل روانی که شامل عدم احترام و درک متقابل، عدم صداقت و اعتماد، مشاجره و دعوا؛ و همچنین عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر طلاق عاطفی، مانند عدم ابراز علاقه، شفاف بیان نکردن

خواسته‌ها و اختلال در روابط جنسی، نارضایتی جنسی و غیره؛ عوامل قبل از ازدواج مانند ازدواج‌های تحمیلی و نسنجیده، ازدواج غیابی و اینترنتی و سایر موارد، زمینه‌ای برای ایجاد طلاق عاطفی است.



## منابع و مأخذ

\*قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای .

۱. ابراهیمی سمیه، بنی فاطمه حسین، طلاق عاطفی و عوامل مربوط به آن در شهرستان نغده مطالعات جامعه شناسی،
۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۶ه ق.
۳. اکبری، محمود، مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، قم، نشرفتیان، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۶ش.
۴. آیت الهی، زهرا، ۱۳۹۲، اخلاق خانواده، ۴۴، دفتر نشر معارف، چاپ ۲۲. (در بقیه موارد تاریخ نشر بعد از نام نویسنده اصلاح شوند)
۵. ایمانی، محسن، «علل ظهور و بروز طلاق عاطفی، پیامدها و شیوه‌های برخورد با آن»، تهران، نشریه پیوند، ۱۳۹۱ه ش، شماره ۳۹۳.
۶. باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روسنی، شهره، «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، نشریه بررسی مسایل اجتماعی ایران، ۱۳۸۹ه ش، شماره ۳.
۷. چگینی، سهیلا، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی، ۱۳۹۴ه ش، ص ۱۳۹.
۸. حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ مداحی، جواد؛ کریمی، یزدان؛ حدت، الهه و غروری، ملینا، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متاهلین شهر شیراز)»، ۱۳۹۵ه ش، شماره ۷۱.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم، ذوی القربی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ش.
۱۰. سادات مستقیمی، ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق در سه حوزه اصول فقه، تفسیر و زبان شناسی، ۱۳۸۸ه ش، ص ۳.





۱۱. سالاری فر، محمدرضا، «همسرگزینی در اندیشه اسلامی»، منبع: مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۳ ه ش، شماره ۲۵.
۱۲. سواری زنگنه، محسن، طلاق و عوامل مؤثر بر آن، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه ش.
۱۳. صباغی، فاطمه؛ صالحی، کیوان و مقدم زاده، علی، «ادراک و تجربه زیسته زوج‌ها از علل بروز جدایی عاطفی: مطالعه ای به روش پدیدارشناسی»، نشریه پژوهش‌های مشاوره، ۱۳۹۶ ه ش، شماره ۶۲.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، بی نا، ۱۳۸۰ ه ش.
۱۵. فاتحی زاده، مریم السادات؛ بهجتی اردکان، فاطمه؛ نصر اصفهانی، احمد رضا، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان، میبد»، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۴ ه ش، شماره ۱.
۱۶. فیروزجاییان، علی اصغر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ محمدی دوست، منصوره، «تحلیل جامعه شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر»، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۱۳۹۵ ه ش، شماره ۳.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الاوفاء، چاپ ۳، ۲۱۴۰ ه ق.
۱۸. محقق، محمدباقر، حقوق مدنی زوجین، ...؟؟، انتشارات بنیاد قرآن، چاپ سوم، ۱۳۶۰ ه ش.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، ۱۳۸۳ ه ش،
۲۰. مستقیمی، مهدیه سادات، «ارتباط معنایی آیات در مسئله طلاق در سه حوزه اصول فقه تفسیر و زبان شناسی، مطالعات راهبردی زنان»، ۱۳۸۸ ه ش، شماره ۴۳.
۲۱. نعیمی، شریعتی، الگوی مشاوره‌های حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های

جنسیتی قرآن کریم. ۱۳۹۳.

۲۲. یوسفی مقدم، محمدصادق؛ دین پرست سرخ آبی، لیلا، «طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات علوم قرآن»، ۱۴۰۰ه ش، شماره ۸

سایت‌ها

۲۰۷



23. <https://azvakilbepors.com/types-of-divorce-in-psychology>.

24. <https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir>.

25. <http://talieye-danesh.blogfa.com/post> .

26. <https://jamejamonline.ir/fa/news>.

27. <https://www.heyvafamily.com>.

28. <https://www.yasa.com>.

29. <https://masoomie-shiraz.kowsarblog.i>